

محتوای نوشتاری

کتاب: اقتصاد

سال تحصیلی:

۱۴۰۰-۱۴۰۱

فصل: اول

(اصول انتخاب در کسب و کار)

درس: سوم

نام طراح: محمود یعقوبی

## عنوان درس: اصول انتخاب درست

### «نقشه راه»

۱- افراد در تصمیم گیری های منطقی چگونه عمل می کنند؟  
در تصمیم گیری های منطقی، افراد هزینه ها و منافع گزینه های مختلف را باهم مقایسه و بهترین آنها را انتخاب می کنند.

### «اقتصاد مسئله انتخاب»

۲- همه کسب و کارها با یک مسئله اساسی مواجه هستند آن مسئله چیست؟  
هر کسب و کاری چه شخصی باشد و چه در قالب شرکت، با مسئله انتخاب مواجه است. چه چیزی تولید کنیم یا اینکه چقدر از هر چیز تولید کنیم؟

۳- برخی اقتصاددانان علم اقتصاد را علم..... می دانند.

انتخاب

۴- چرا برخی اقتصاددانان علم اقتصاد را علم انتخاب می دانند؟

مسئله انتخاب آن قدر مهم است که برخی اقتصاددانان علم اقتصاد را علم انتخاب می دانند. آنها معتقدند اقتصاد به ما می آموزد که در شرایط کمیابی منابع، چگونه بهترین انتخاب را انجام دهیم.

۵- آیا انتخاب فقط محدود به مسئله کسب و کار و تولید است؟

انتخاب فقط محدود به مسئله کسب و کار و تولید نیست؛ بلکه هر فرد در زندگی روزمره خودش، بارها و بارها با مسئله انتخاب اقتصادی روبه رو می شود.

۶- برای انتخاب درست چه مفهومی را باید در نظر بگیریم؟

برای انتخاب درست باید با مفهوم کمیابی منابع آشنا شویم و بدانیم که چگونه می توان با در نظر گرفتن هزینه ها و منافع هر انتخاب، تصمیم درستی گرفت. بنابراین باید برای هر تصمیمی قوانینی را رعایت کنیم.

۷- برای انتخاب و تصمیم درست جهت استفاده از منابع چه قوانینی را باید رعایت کنیم؟

قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آنها کمیاب اند!

قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید!

www.my-dars.ir

قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید!

قانون چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید!

قانون پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنید!

### «قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آنها کمیاب اند!»

۸- یک کار آفرین یا تولیدکننده برای ورود به میدان اقتصادی در ابتدا از چه موضوعی باید آگاه شوند؟

اگر به عنوان یک کار آفرین و یا تولیدکننده وارد میدان اقتصاد می شوید، باید ابتدا از منابع یا عوامل تولید خود آگاه شوید.

۹- اقتصاددانان منابع تولید را به طور کلی در چند دسته طبقه بندی می کنند؟ مثال بزنید.

اقتصاددانان منابع تولید را به طور کلی در سه دسته طبقه بندی می کنند: **منابع طبیعی** (زمین)، **نیروی کار** و **سرمایه**. زمینی که تولیدکننده گندم آن را زیر کشت می برد، یک **منبع طبیعی** است. کشاورزانی که روی زمین کار می کنند، **نیروی کار** محسوب می شوند. تراکتوری که روی زمین کار می کند، **سرمایه فیزیکی** است و دانش و مهارت نیروی انسانی این مجموعه تولیدی، **سرمایه انسانی** محسوب می شود.

#### ۱۰- نیروی کار و سرمایه در یک شرکت تدریس خصوصی چیست؟

با توجه به اینکه تولید خدمات هم در اقتصاد نیازمند عوامل تولید است، می توان گفت نیروی انسانی این شرکت، معلمان و کارمندان آن هستند؛ سرمایه فیزیکی آن نیز ممکن است شامل تجهیزات اداری (مثلاً میز یا تخته و یا ابزارهای آموزشی دیگر) باشد و سرمایه انسانی هم مهارت و دانش تدریس معلمان این شرکت خواهد بود.

۱۱-..... در حالت کلی، امکاناتی است که شما برای ارائه محصول یا خدمت خود در اختیار دارید.

#### منابع تولید

۱۲- فرض کنید که به عنوان یک خریدار می خواهید برای دیدن یک فیلم سینمایی، بلیت خریداری کنید و در ضمن برای منزل هم کمی خرید کنید. چه منبعی در اختیار دارید؟

**پول** داخل جیبتان، مهم ترین منبعی است که در اختیار دارید و باید آن را مدیریت کنید. این منبع هرچند یک منبع تولیدی نیست، اما امکانی است که در اختیار شما قرار دارد. منابعی که در اختیار ما قرار دارد، کمیاب است.

۱۳- منابعی که در اختیار ما قرار دارد،..... است.

#### کمیاب

۱۴- برای درک مفهوم کمیابی منابع مثال بزنید.

**مثال کشاورزی:** فرض کنید که شما مصمم هستید به عنوان یک کشاورز زمین خود را زیر کشت ببرید. سؤالات زیادی در ذهن شما خواهد آمد: چقدر می توانم بکارم؟ اگر کل زمین را زیر کشت یک محصول بردم، دیگر نمی توانم محصول دیگری در آن کشت کنم، چه کنم؟ آیا اصلاً از نظر مالی توان زیر کشت بردن کل زمین را دارم؟ آیا در منطقه ما کارگری هست که بتوانم کار را به کمک او انجام دهم؟ اصلاً چه چیزی بکارم؟

ریشه این سؤالات و سؤالاتی مشابه آن نشان می دهد شما در ذهن خود دو اصل اساسی دارید و در واقع همه سؤالات را در راستای این دو اصل از خود می پرسید: **اصل اول:** شما در ضمن سؤالات خود دائماً به خودتان تذکر می دهید که منابعی که در اختیار دارید (مثل متراتژ زمین، حجم بذر، نیروی کار و...) بی نهایت و پایان ناپذیر نیست بلکه برعکس، کاملاً محدود است. **اصل دوم:** شما قبول دارید که در آن واحد نمی توانید از یک چیز دو استفاده متفاوت بکنید؛ یعنی هر چیزی دارای محدودیت در استفاده است. به عبارت بهتر، شما به خوبی می دانید که اگر کل زمین را زیر کشت گندم ببرید، دیگر نمی توانید در آن یونجه یا جو بکارید.

#### ۱۵- منظورات کمیابی در منابع چیست؟

**اصل اول:** منابعی که در اختیار انسان قرار دارد بی نهایت و پایان ناپذیر نیست بلکه برعکس، کاملاً محدود است.

**اصل دوم:** در آن واحد نمی توانید از یک چیز دو استفاده متفاوت بکنید؛ یعنی هر چیزی دارای محدودیت در استفاده است.

#### ۱۶- آیا انسان ها قادر به خلق منابع یا عوامل تولید جدید هستند؟

ما باید بدانیم که همه عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب اند. از سوی دیگر هرچه منابع بیشتری داشته باشیم، کالاها و خدمات بیشتری می توانیم تولید کنیم. اما متأسفانه نمی توانیم عصای جادویی را تکان دهیم و منابعی را خلق کنیم. ما به منابع در دسترس محدود شده ایم. در هر نقطه از زمان، هر شخص یا شرکت و یا هر کشوری مقدار معینی از نیروی کار، زمین قابل بهره برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی دارد.

#### «قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید!»

۱۷- محدودیت منابع، مفهوم..... را به همراه دارد.

#### هزینه فرصت

۱۸- منظور از هزینه فرصت یک انتخاب چیست؟ مثال بزنید.

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما هنگام انتخاب از دست داده اید.

**\*مثال کشاورزی:** منافع کشت جو در مثال کشاورز، هزینه فرصت کشت گندم است؛ یعنی کشاورز ما اگر نمی خواست گندم بکارد گزینه بعدی او کاشت جو بود؛ حالا که او تصمیم گرفته است در زمینش گندم بکارد، در واقع از منافع کاشت جو صرف نظر کرده است و این، هزینه کاشت گندم است.

**\*مثال سینما رفتن:** اکنون مثال سینما رفتن را در نظر بگیرید سینما رفتن برای شما چه هزینه هایی دارد؟ ممکن است بگویید که هزینه آن پولی است که برای بلیت پرداخت می شود. اگر قیمت بلیت ده هزار تومان باشد، «این هزینه آشکار» رفتن به سینما است؛ اما سینما رفتن هزینه پنهان هم دارد. برای اینکه موضوع روشن تر شود ببینید اگر به سینما نروید، قصد داشتید چه کار دیگری انجام دهید؟ آیا مایلید با دوستان به بازار بروید؟ بسکتبال بازی کنید؟ مطالعه کنید؟

اگر سینما را کنار بگذارید، بهترین گزینه از بین دیگر گزینه ها چیست؟ مثلاً فرض کنید بهترین گزینه بعدی بسکتبال بازی کردن است. پس در طول مدتی که شما در حال دیدن فیلم هستید، باید بسکتبال بازی کردن را رها کنید. شما در واقع رفتن به بازار و یا مطالعه را رها نمی کنید زیرا حتی اگر به سینما هم نمی رفتید گزینه بعدی شما نبودند، بلکه بسکتبال بازی کردن، هزینه فرصت سینما رفتن شماست.

**\*مثال انتخاب شغل:** مثال دیگر، انتخاب شغل است. فرض کنید قرار است در یک اداره استخدام شوید در حالی که می توانید کسب و کار شخصی، مثلاً تدریس خصوصی، با درآمد ماهانه بیست میلیون تومان داشته باشید. اگر استخدام را انتخاب کنید، هزینه فرصت این انتخاب شما، معادل بیست میلیون تومان در هر ماه است.



۱۹- چرا ما باید در استفاده از منابع و امکانات دست به انتخاب بزنیم؟ مثال بزنید.

چون منابع و امکانات کمیاب است.

ممکن است از خودتان بپرسید چرا مجبورم بین استخدام شدن و کسب و کار شخصی داشتن و یا بین سینما رفتن و بسکتبال بازی کردن و یا بین کاشت گندم و جو، یکی را انتخاب کنم. جواب این پرسش ساده است: چون منابع و امکانات شما کمیاب است؛ مثلاً پول یکی از امکانات کمیاب شماست. با یک مقدار مشخص از پول، نمی توانید هر چیزی را بخرید. وقت و زمان هم از داشته های کمیاب شماست. هر کاری مثل خوابیدن، غذا خوردن، مطالعه، تفریح و کارهای دیگری که به آن علاقه دارید، همگی به زمان نیاز دارند و انجام هر کدام از آنها در زمان مشخص به معنای عدم امکان انجام بقیه است.

۲۰- به چه دلیل باید بین گزینه های انتخاب، «بده-بستان» کرد؟

به دلیل وجود کمیابی در منابع و امکانات، همیشه باید بین گزینه های انتخاب، «بده - بستان» کرد.

۲۱- منظور از «بده - بستان» چیست؟ مثال بزنید.

بده - بستان یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید؛ مثلاً فرض کنید ۱۰۰ هزار تومان پول برای خرج کردن دارید؛ با این پول می توانید وسایل لازم برای ساخت ربات امدادگر را تهیه کنید تا در مسابقات رباتیک مدرسه شرکت کنید؛ البته می خواهید یک جفت قناری زیبا هم بخرید و یا حتی یک آکواریوم کوچک برای خودتان دست و پا کنید؛ لباس های ورزشی جدیدی نیز آمده که خیلی از بچه های مدرسه خریده اند و از خرید آن هم بدتان نمی آید! چنانچه پولتان را برای هر کدام خرج کنید، برای گزینه های دیگر چیزی باقی نمی ماند.

۲۲- کمیابی منابع چه پیامدی برای جامعه دارد؟

کشورها نیز مانند مردم، با کمیابی منابع رو به رو هستند. کمیابی منابع، هر جامعه را با مبادله مواجه می سازد.

۲۳- با ذکر یک مثال توضیح دهید چگونه با اختصاص منابع بیشتر به تولید یک کالا و خدمات منابع

کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند؟

اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند. برای ساختن دو چرخه بیشتر، کارخانه لاستیک بیشتری به منظور تولید چرخ، فلز بیشتری برای اسکلت دو چرخه، زمین بیشتری برای سالن های کارخانه لازم است. همچنین نیاز بیشتری به سرمایه برای ساختن ماشین آلات سازنده اسکلت و

قطعات دوچرخه، نیروی کار برای سر هم کردن و فروش دوچرخه برای ساختن شغل دوچرخه سازی خواهیم داشت. منابعی که در کارخانه دوچرخه سازی استفاده می شود، مورد نیاز تولیدات دیگر مثل رایانه ها و خودروها نیز هستند. پس تصمیم برای داشتن دوچرخه بیشتر به معنای از دست دادن چیزهای دیگر است؛ حتی اگر یک کشور کالاهایی را از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است. تصور کنید که شما یک دوچرخه که ساخت کشور چین است را خریداری می کنید برای ساخت این دوچرخه از منابع چینی به جای منابع ایرانی استفاده شده است.

#### ۲۴- آیا با وجود وارد کردن کالا از کشورهای دیگر مشکل کمیابی منابع برطرف می شود؟ مثال بزنید.

خیر- حتی اگر یک کشور کالاهایی را از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است. تصور کنید که شما یک دوچرخه که ساخت کشور چین است را خریداری می کنید برای ساخت این دوچرخه از منابع چینی به جای منابع ایرانی استفاده شده است.



### «قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید!»

#### ۲۵- منظور از قید بودجه چیست؟

وقتی شما مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می گوئیم شما یک قید بودجه دارید. به دلیل اینکه بودجه تان محدود است، شما مجبورید بین گزینه های خود بده - بستان کنید.

۲۶- فرض کنید شما ۲۵ هزار تومان برای صرف عصرانه پول دارید. در شکل زیر نحوه انتخاب بین بیسکویت و شکلات را بررسی کنید. هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه نشان دهنده مقدار بیسکویت و شکلاتی است که با ۲۵ هزار تومان می توان خرید.

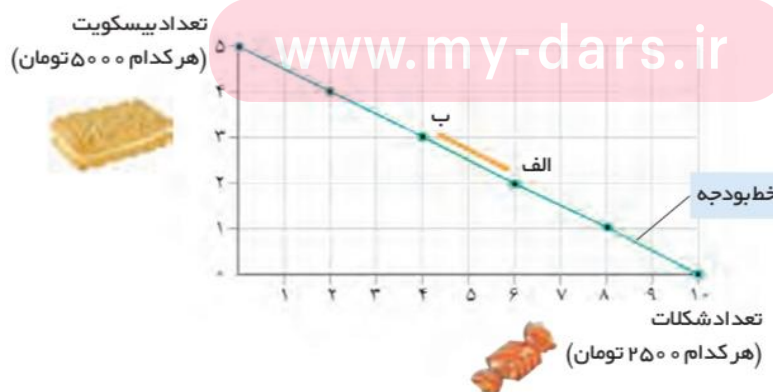
بده - بستان بین نقاط الف و ب چگونه است؟

در نقطه «ب» ما می توانیم سه بیسکویت به ارزش ۱۵ هزار تومان و چهار شکلات به ارزش ۱۰ هزار تومان بخریم.

در نقطه «الف» ما می توانیم دو بیسکویت به ارزش ۱۰ هزار تومان و شش شکلات به ارزش ۱۵ هزار تومان بخریم.

اگر از نقطه الف به ب یا بالعکس حرکت کنیم، چه تغییری در مقدار انتخاب شده از هر یک از این دو کالا روی می دهد؟

اگر از نقطه الف به ب حرکت کنیم از ۲۵ هزار تومان پول می توانیم بیسکویت بیشتر و شکلات کمتری خریداری کنیم و اگر از نقطه ب به الف حرکت کنیم شکلات بیشتری می توانیم خریداری کنیم ولی از میزان خرید بیسکویت ما کاسته خواهد شد.



## «قانون چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید!»

۲۷- منظور از هزینه دررفته چیست؟

هزینه هایی که پرداخت شده است و شما نمی توانید آن را باز گردانید «**هزینه دررفته**» نام دارد؛ این هزینه ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد.



۲۸- کدام هزینه ها نباید در انتخاب ما تأثیر داشته باشند؟

**هزینه های دررفته**

۲۹- اگر شما ده هزار تومان پول بلیت، برای تماشای تئاتر پرداخت کنید ولی در حین تماشای تئاتر تصمیم بگیرید سالن را ترک کنید و به تماشای یک فیلم در سینما با بلیت هشت هزار تومان بروید هزینه دررفته و هزینه فرصت سینما رفتن چیست؟

**هزینه دررفته:** ده هزار تومان پولی است که برای تماشای تئاتر پرداخت کرده اید. چون این هزینه غیرقابل اجتناب است و دیگر قابل برگشت نیست.

**هزینه فرصت سینما رفتن:** هشت هزار تومان پولی که برای تماشای فیلم پرداخت کرده اید (آن چیزی است که هنگام رفتن از تئاتر به سینما باید از دست بدهید.)

۳۰- مفهوم هزینه های دررفته را به چه چیزی می توان تشبیه کرد؟

مفهوم هزینه های دررفته را می توان پولی تصور کرد که به یک چاه عمیق افتاده است و دیگر قابل دسترس نیست.

۳۱- تنه های هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است چیست؟

تنه های هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است، هزینه هایی است که **در زمان تصمیم گیری** شما به وجود می آیند.

۳۲- برای اینکه یک تصمیم خوب بگیری چه نکاتی باید توجه کنید؟

**برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید:**

**الف)** تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم اند؛ هزینه های دررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته اند و قابل برگشت نیستند. باید هزینه هادرمقابل منافع سنجیده شوند.

**ب)** باید هزینه ها در مقابل منافع سنجیده شوند.

## «قانون پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنید!»

۳۳- چگونه می توانید بین منافع و هزینه های خود، مقایسه کنید؟ مثال بزنید.

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، **منافع بیشتر از هزینه هاست**؛

مثلاً هنگامی که می خواهید بین یک کسب و کار شخصی یا شرکتی انتخاب کنید و یا در مورد اضافه کردن یک خط تولید در کارخانه تصمیم بگیرید، باید بین منافع و هزینه های انتخابتان مقایسه کنید؛ البته همیشه مقایسه هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد. به عنوان یک کارآفرین، مقایسه میان منافع و هزینه های کسب و کارتان، از مهم ترین مراحل راه اندازی یا استمرار آن است.

۳۴- یکی از مهم ترین مراحل راه اندازی یا استمرار یک کسب و کار برای یک کارآفرین چیست؟

**مقایسه میان منافع و هزینه های کسب و کار**

۳۵- برای تصمیم گیری منطقی، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

**الف)** **مقایسه منافع و هزینه ها** «باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در



گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست.»

**ب) توجه به نوع تصمیم در انتخاب**

۳۶- دونوع گسترده از انواع تصمیمات چیست؟ مثال بزنید.

دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد.

**الف)** اولین دسته به یک انتخاب از میان گزینه های مختلف می پردازد. (مثلاً گاهی اوقات گزینه های تصمیم ما این است که مطالعه کنیم یا به گردش برویم)

**ب)** دسته دیگر به انتخاب چه مقدار از هر چیز اشاره می کند. (گاهی درباره میزان مطالعه یا مدت زمان گردش در حال تصمیم گیری هستیم).

۳۷- در بر آورد و مقایسه میان هزینه ها و منافع، اینکه چه چیزی را هزینه و چه چیزی را منفعت به حساب بیاوریم وابسته به چیست؟ مثال بزنید.

وابسته به **موقعیت ها و ارزش های فرهنگی و اجتماعی** ما است؛ مثلاً ممکن است آلودگی های زیست محیطی یک کارخانه تولید مواد شیمیایی، برای صاحب آن کارخانه به عنوان هزینه محسوب نشود، اما برای ساکنان آن منطقه هزینه محسوب می شود.

### «چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟»

۳۸- چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟ مثال بزنید. (اشتباهات رایج در تصمیم گیری)

**○ اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها**

- وقتی که جنس ۱۶۰ هزار تومانی که ۵۰ درصد تخفیف دارد را بر جنس ۸۰ هزار تومانی ترجیح دهیم.  
- وقتی فقط به دلیل اینکه حراج یا فروش ویژه اعلام شده خرید می کنیم.

**○ عدم توجه به هزینه های درفته**

- وقتی غذایی را که سفارش داده شده دوست ندارید؛ اما به خاطر پولی که داده اید تا آخرش می خورید.  
- کلاس بی کیفیتی را چون پول داده اید تا آخر می روید.

**○ بی صبری زیاد (ترجیح حال به آینده)**

- به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره مندی از منافع آتی آن، سراغ کارهای کم ارزش آتی می رویم.  
- برای تأمین هزینه های مصرف فعلی، زیر بار سنگین انواع بدهی می رویم.

**○ اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن (ترجیح آینده به حال)**

- خوش بینی زیاد درباره درآمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی  
- سرمایه گذاری در زمینه های پرخطر، بدون آمادگی لازم.

**○ چسبیدن به وضعیت فعلی**

- چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه های جدید با رویکرد منطقی هزینه - فایده



**فعالیت گروهی در کلاس صفحه ۲۷** رادانش آموزان باید با توجه به ایده پیشنهادی کسب و کار صفحه ۲۰ کتاب (درس دوم) بررسی کنند.

**فعالیت فردی در کلاس** ..... صفحه ۲۹

### کدام خودرو؟

فرض کنید پدرتان می خواهد از بین سه خودرو جدول زیر یکی را برای خرید انتخاب کند. ستون دوم به ارزش گذاری ذهنی بر اساس معیارهای واقعی مثل نیاز، کیفیت، کارکردها، هویت، زیبایی و... اشاره دارد. ستون سوم، مربوط به منافع داشتن آن خودرو است که به صورت عددی درآمده و مقداری است که خرید آن برای شما می آرد و ستون چهارم قیمت آن در بازار است. به نظر شما کدام یک ارزش خرید بالاتری دارد؟

منفعت خالص (=منافع-هزینه) (به میلیون تومان)	هزینه خودرو (به میلیون تومان)	منافع خودرو (به میلیون تومان)	خودرو
۴	۱۲۰	۱۰۰	
۴	۶۰	۷۰	
۴	۵۵	۶۰	

برای انتخاب باید هزینه - فایده را در نظر بگیریم و گزینه ای که منافع آن بیشتر از هزینه اش باشد را انتخاب کنیم. خودرو شماره یک: ۱۰۰ تا منفعت داشته و ۱۲۰ تا هزینه، تفاوت ۲۰ - یعنی هزینه ۲۰ تا بیشتر از منافع است. که مورد انتخاب نیست.

خودرو شماره دو: منافع ۷۰ و هزینه ۶۰ می باشد تفاوت ۱۰ میلیون مثبت است یعنی در این انتخاب ۱۰ میلیون منافع اش بیشتر است.

خودرو شماره سه: ۶۰ میلیون منافع و ۵۵ میلیون هزینه دارد تفاوت ۵ میلیون منفعت است.

اگر انتخاب ما بر اساس مقایسه هزینه - فایده صورت بگیرد قطعاً خودرو شماره دو انتخاب می شود.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

### چند لاستیک؟

اکنون فرض کنید که می خواهید خودرویتان را بفروشید. لاستیک های آن فرسوده اند اما میزان فرسودگی شان با هم یکسان نیستند. تعویض هر کدام هم اثر متفاوتی بر درآمد فروش خودرو خواهد داشت. بر اساس جدول زیر فکر کنید و بگویید که چند لاستیک را باید قبل از فروش خودرو تعویض کنید؟

لاستیک شماره یک: منفعت ۲۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد منافع ۱۰۰ تا بیشتر است.

لاستیک شماره دو: منافع ۱۵ و هزینه ۱۰۰ می باشد منافع ۵۰ هزار تومان بیشتر است.

لاستیک شماره سه: منافع ۹۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد ۱۰ هزار تومان هزینه بیشتر از منافع است.  
 لاستیک شماره چهار: منافع ۱۰ و هزینه ۱۰۰ می باشد هزینه ۹۰ هزار تومان بیشتر است.  
**انتخاب بر اساس هزینه فایده است بنابراین انتخاب لاستیک های شماره ۱ و ۲ می باشد.**

لاستیک تعویض شده	منفعت (به هزار تومان)	هزینه (به هزار تومان)	منفعت خالص (به هزار تومان)
۱. لاستیک در بدترین شرایط	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲. لاستیک در شرایط بد	۱۵۰	۱۰۰	۵۰
۳. لاستیک در شرایط خوب	۹۰	۱۰۰	-۱۰
۴. لاستیک در بهترین شرایط	۱۰	۱۰۰	-۹۰

### برای تفکر و تمرین ..... صفحه ۳۲

۱- هر کدام از گزاره های زیر را در یکی از منابع کمیاب (منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) طبقه بندی کنید.

منابع کمیاب	گزاره
منابع طبیعی	باغچه خانه که در آن سبزی کاشته اید.
سرمایه فیزیکی	ابزار آلات باغبانی که از آنها استفاده می کنید.
نیروی انسانی	باغبانی که برای هرس کردن درختان باغچه استخدام می کنید.
سرمایه انسانی	علم و دانشی که در مدرسه کسب می کنید.
منابع طبیعی	کود طبیعی و آبی که برای باغچه استفاده می کنید.
سرمایه انسانی	مهارت های که برای فروش بخشی از سبزیجات باغچه به همسایگان به کار می گیرید.

www.my-dars.ir

۲- هزینه فرصت هر کدام از فعالیت های زیر چیست؟

تعمیر رایانه شخصی

تعمیر رایانه دیگران و دریافت دستمزدی که از دست می دهیم- زمان استراحتی که از دست

می دهیم- زمان تفریحی که از دست می دهیم و...

تماشای فیلم امشب تلویزیون

میزان مطالعه ای که از دست داده ایم- تماشای فوتبالی که از دست داده ایم.

زودتر به رخت خواب رفتن

درس نخواندن- تماشای فیلمی که از دست داده ایم و...



بازی والیبال در مدرسه

کلاسی که نرفتمیم وازدست دادیم -زمان استراحتی که ازدست می دهیم-زمان مطالعه ای که ازدست می دهیم و...

شغل پاره وقت بعد از زمان مدرسه

مطالعه ای که ازدست می دهیم-استراحتی که ازدست می دهیم و...

رفتن به دانشگاه بعد از دبیرستان

درآمدی که از کار کردن در یک شرکت ازدست می دهیم و...

اشتغال بدون ادامه تحصیل

بهره مندی از تحصیلات و آگاهی و علمی که ازدست می دهیم و...

### ۳- تصمیمات زیر را تحلیل کنید:

این لباس را به قیمت خیلی خوبی خریدم؛ زیرا در حراجی بود.

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی مادر خرید که تحت تاثیر کلمه **حراجی** قرار گرفتیم که در واقع یکی از **حقه های فروش** است که بر تصمیم گیری مادر خرید تاثیر گذاشته است.

من «برند معمولی» خریدم؛ زیرا ارزان تر از «برند معروف» بود.

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی مادر خرید که تحت تاثیر **حقه های فروش** است که بر تصمیم گیری مادر خرید تاثیر گذاشته است.

من واقعاً آن تئاتر را دوست نداشتم، اما ترجیح دادم بمانم؛ زیرا پول زیادی برای آن داده بودم .

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی و اشتباه ما، چون به **هزینه های دررفته** توجه کرده ایم و به خاطر پولی که پرداخت کرده ایم تئاتری را که دوست نداشته ایم را کامل تماشا کرده ایم و وقت و زمانی را که می توانستیم به یک کار بهتر و مورد علاقه اختصاص بدهیم را از دست داده ایم در حالی که هزینه های دررفته نباید در انتخاب و تصمیم ما تاثیر داشته باشد.

من غواصی را دوست دارم و بسیاری از دوستانم هم آن را دوست دارند. مطمئنم که می توانم مغازه وسایل غواصی باز کنم و پول در بیاورم. فکرمی کنم بهتر است مدرسه را ترک کنم و یک مغازه وسایل غواصی راه بیندازم .

اشاره دارد به تصمیم گیری غیرمنطقی مادر انتخاب شغل، که اشتباه **رایج اعتماد به نفس بیش از حد با خود را بودن می** باشد یعنی ترجیح آینده به حال (خوش بینی زیاد درباره درآمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی- سرمایه گذاری در زمینه های پرخطر، بدون آمادگی لازم)

تا حالا فهرست وظایف برای خودم ننوشته ام، چون فکر می کنم به وقت زیادی نیاز دارد.

اشاره دارد به چسبیدن به وضعیت فعلی یعنی پرهیز از گزینه های جدید به دلیل عادت، که یکی از **اشتباهات رایج** مادر تصمیم گیری می باشد.

۴- در درس قبل، میزان سود (یا زیان) کارگاه آقای محمدی را محاسبه کردیم. اکنون در نظر بگیرید که پدر امیرعلی و سنایش می توانست به جای احداث کارگاه، در یک اداره دولتی با **حقوق ماهیانه چهار میلیون تومان**، استخدام شود. با توجه به اطلاعات زیر، مجدداً سود یا زیان سالانه کارگاه را محاسبه کنید و نتیجه را در کلاس به بحث بگذارید.

خرید مواد اولیه برای تولید ماهیانه: ۱۰۰ میلیون تومان

پول آب و برق و گاز و عوارض شهرداری: ۸۰۰ میلیون تومان

دستمزد ماهیانه هر کارگر: ۲ میلیون تومان (مجموعاً ۲۰ کارگر)

درآمد سالانه: ۲/۵ میلیارد تومان

**کل محصول × قیمت = درآمد**

هزینه ها:

$$1200/000/000 = 100/000/000 \times 12 = \text{خرید مواد اولیه برای تولید سالانه}$$

$$800/000/000 = \text{پول آب و برق و گاز و عوارض شهرداری}$$

$$40/000/000 = 2/000/000 \times 20 = \text{دستمزد سالانه کارگران}$$

$$40/000/000 \times 12 = 480/000/000$$

$$2/480/000/000 = 1200/000/000 + 800/000/000 + 480/000/000 = \text{مجموع هزینه ها}$$

**هزینه - درآمد = سود**

$$20/000/000 = 2/500/000/000 - 2/480/000/000 = \text{سود سالانه کارگاه}$$

\* سود سالانه کارگاه آقای محمدی بیست میلیون تومان می باشد اگر آقای محمدی به جای احداث کارگاه در یک اداره دولتی با حقوق ماهیانه چهار میلیون تومان مشغول به کار می شد می توانست در سال، چهل و هشت میلیون درآمد داشته باشد. پس در واقع هزینه فرصت کارگاه، درآمدی سالانه ای است که آقای محمدی با کار کردن در یک اداره دولتی از دست می دهد (چهل و هشت میلیون تومان) پس باین فرض نتیجه می گیریم آقای محمدی با احداث کارگاه به جای کار کردن در یک اداره دولتی ضرر کرده است.

$$48/000/000 = 4/000/000 \times 12 = \text{درآمد سالانه آقای محمدی در اداره دولتی}$$

$$20/000/000 = 2/500/000/000 - 48/000/000 = \text{سود سالانه کارگاه}$$

$$28/000/000 = 48/000/000 - 20/000/000 = \text{میزان ضرر}$$

در واقع آقای محمدی با در آمد بیست میلیونی، در آمد چهل و هشت میلیونی را از دست می دهد یعنی بیست و هشت میلیون ضرر کرده است. ولی هزینه فرصت، انتخاب دوم یعنی چهل و هشت میلیونی است که از دست می دهد.

\* محاسبه درآمدها بصورت سالانه

www.my-dars.ir

بررسی هزینه فرصت کارگاه بصورت ماهانه

**(هزینه های غیر مستقیم + هزینه های مستقیم) - درآمد = سود با زیان**

$$206/666/666 = 100/000/000 + (800/000/000 \div 12) + 40/000/000 = \text{مجموع هزینه های مستقیم ماهانه}$$

$$4/000/000 = \text{مجموع هزینه های غیر مستقیم ماهانه}$$

$$۲۰۸/۳۳۳/۳۳۳ = ۱۲ \div ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۵۰۰ \text{ درآمد ماهانه کارگاه}$$

$$۲۰۸/۳۳۳/۳۳۳ - (۲۰۶/۶۶۶/۶۶۶ + ۴/۰۰۰/۰۰۰) = -۲/۳۳۳/۳۳۳ = \text{سود یا زیان ماهانه}$$

**زیان و ضرر کرده است.**

### تحلیل کنید:

\* هزینه فرصت چیست و چرا معمولاً از دید ما پنهان است و آن را به حساب نمی آوریم؟

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید. چون فرد مستقیماً پولی را خرج نمی کند و خیلی اوقات افراد در زندگی خود در تصمیم گیری هایشان بصورت منطقی عمل نمی کنند و هزینه ها و منافع گزینه های مختلف را با هم مقایسه نمی کنند و بدون مقایسه هزینه و منافع، دست به انتخاب می زنند و به منافع گزینه هایی که از دست می دهند توجه نمی کنند به همین دلیل معمولاً هزینه فرصت از دید ما پنهان می ماند و آن را به حساب نمی آوریم.

\* به حساب آوردن هزینه فرصت چه تأثیری در انتخاب ما خواهد گذاشت؟

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیری ما مؤثر است، هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری ما به وجود می آیند یعنی همان هزینه فرصت، اگر ما در انتخاب خود به هزینه فرصت انتخابمان توجه کنیم و بررسی کنیم که با این انتخاب چه هزینه و فرصتی را از دست می دهیم در تصمیم گیری بهتر عمل خواهیم کرد و هزینه ها و منافع را با هم خواهیم سنجید و تصمیمی را خواهیم گرفت که بیشترین منافع را برای ما دارد داشته باشد.

\* چگونه می توانیم بین منافع و هزینه های خود، مقایسه درستی انجام دهیم؟

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست. مثلاً افراد وقتی سوار خودرو می شوند منافع بستن کمربند ایمنی را با هزینه های آن مقایسه می کنند؛ ممکن است برخی با مقایسه بالا بلافاصله کمربند ایمنی خود را ببندند و برخی دیگر در بستن کمربند ایمنی سهل انگاری کنند! البته همیشه مقایسه هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد.

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)